خطر تخریب بافت تاریخی گرگان

کارشناسان حوزه میراث فرهنگی با اعتراض به یک مصوبه کمیسیون ماده ۵ استانداری گلستان، نسبت به تخریب بافت تاریخی گرگان هشدار داده و این مصوبه را تهدید جدی برای بافت می دانند. به گزارش مهر، بیستم آذر ماه خبری در شبکه های اجتماعی مبنی بر مصوبه کمیسیون ماده ۵ استان گلستان منتشر شد که در ادامه حواشی بسیاری را در شبکه های اجتماعی همراه داشت. به تحلیل کارشناسان بر اساس این مصوبه دیگر نیاز به استعلام از میراث فرهنگی برای صدور پروانه یا پایان کار ساختمان نیست و فقط میراث فرهنگی باید ضوابط را به شهرداری اعلام کند. تصویب این موضوع در کمیسیون ماده ۵ استان در حالی انجام شده که در بند ۱۱ ماده ۳ اساسنامه میراث فرهنگی، مصوب مجلس شورای اسلامی آمده: اظهار نظر نهایی در تمام طرح های جامع، تفصیلی و هادی در شهرهایی که در فهرست آثار ملی ثبت شده اند به عهده میراث فرهنگی است.همچنین مطابق ماده ۳ شورای امنیت کشور، مصوب سال ۱۳۸۱ تمام اماکن تاریخی در محدوده شهرهای تاریخی، شهرداری باید از میراث فرهنگی استعلام کند.

نظارت میراث فرهنگی بر بناهای تاریخی فراتر از کمیسیون ماده ۵ است

از آنجاییکه بافت تاریخی گرگان به عنوان نخستین بافت تاریخی کشور، سال ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و چندی پیش هم به‌عنوان پایگاه ملی معرفی شده، شامل مصوبه فوق می شود. امری که مدیر دفتر بهسازی و احیاء بافت تاریخی گرگان هم به آن اشاره کرده و می گوید: بحث نظارت میراث فرهنگی بر بناهای تاریخی بسیار فراتر از کمیسیون ماده ۵ استان و طرح تفصیلی است. حسین کتولی ادامه می دهد: مشاور در طرح جامع گرگان مصوبه سال ۹۲، در محدوده بافت تاریخی اقدامی انجام نداده بود و در شرح خدمات مشاور نبود، زیرا طرح جامع گرگان محدوده تاریخی را شامل نمی شد؛ کار در این منطقه بر اساس طرح های تفصیلی و جامع میراث فرهنگی انجام می شود و ورود سایر دستگاه ها به این بحث غیر قانونی است. این مدرس دانشگاه به نبود حریم و طرح تفصیلی مختص بافت تاریخی گرگان اشاره کرده و می افزاید: کم کاری یا ضعف میراث فرهنگی در نداشتن مجموعه ضوابط جامع و حرائم جامع و طرح تفصیلی دلیل بر این نمی شود که وجه قانونی و نظارتی میراث فرهنگی حذف شود زیرا شهرداری به هیچ عنوان شایستگی انجام این کار را ندارد. وی با بیان این نکته که ضعف میراث فرهنگی برای اینکه به سراغ قوانین و مقرراتی واحد نرفته کاملا مشهود است، می گوید: این روند، سردرگمی و مشکلاتی برای مالکین به وجود آورده اما ورود ماده ۵ به چنین بحثی درست نیست و کاملا غیر قانونی است.

مصوبه کمیسیون ۵ گرگان اختیارات میراث فرهنگی را حذف نمی کند

اما معاون عمرانی استانداری گلستان مصوبه اخیر کمیسیون ماده۵ شهرداری گرگان را به منزله حذف اختیارات میراث فرهنگی نمی داند و می گوید: مصوبه اخیر به معنای حذف اختیارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیست بلکه نقش نظارتی آن نهاد را تقویت می کند. رضا مروتی می افزاید: طبق این مصوبه میراث فرهنگی و گردشگری موظف است حدود دقیق محدوده بافت تاریخی گرگان و ضوابط ساخت و ساز در محدوده آن بافت را به شهرداری اعلام کند. به گفته این مسئول استانی، میراث فرهنگی باید ضوابط ساخت و ساز در بافت سنتی را تعیین کرده و شهرداری ها هم در ارائه خدمات به مردم باید آن ضوابط را اعمال کنند. وی ادامه می دهد: شهرداری بر اساس ضوابط معین پروانه را صادر و میراث فرهنگی بر فرآیند این ساخت نظارت می کند؛ اگر ضوابط پروانه ای که صادر شده باشد، میراث فرهنگی می تواند از شهرداری شکایت کند و اگر فردی در این محدوده تخلفی انجام داد میراث فرهنگی می تواند راساً نسبت به شکایت در محاکم قضایی و کمیسیون ماده ۱۰۰ اقدام کند. با استعلام شهرداری از میراث فرهنگی، این اداره کل تمامی بندهای قانونی را در نامه ای به شهرداری اعلام می کند و مراحلی که در نامه آمده، در پروانه ساختمانی قید می شود. به اعتقاد کارشناسان حسن اینکار این است که بر اساس استعلامی که از میراث فرهنگی شده، ناظر نظام مهندسی باید بر اساس آنچه در پروانه ساختمانی آورده، نظارت کند. موضوعی که معاون میراث فرهنگی گلستان هم آن را تائید کرده و می گوید: اگر استعلام هنگام دریافت پروانه و پایان کار از میراث فرهنگی انجام نشود چهره بافت از این هم بدتر خواهد شد.

کارشناس متخصص بافت تاریخی در شهرداری نداریم

جاوید ایمانیان با اعلام این مطلب که کارشناس متخصص حوزه بافت تاریخی در شهرداری نداریم، می افزاید: با این روند برای تمام پروانه هایی که صادر می شود، نظارت اولیه انجام نمی شود و شهرداری براساس ضوابط خودش پروانه را صادر می کند و میراث زمانی متوجه می شود که اسکلت بنا ساخته شده است در این صورت کنترل و نظارت بر این گونه بناها تقریبا غیر ممکن خواهد بود.به گفته وی، شهرداری برای تسریع کار خودش و نه ارباب رجوع، پیشنهاد این مصوبه را به معاون عمرانی استاندار داد که ایشان هم پذیرفت.این مدرس دانشگاه با تاکید بر این نکته که خطرات این مصوبه را به معاون عمرانی استاندار اعلام کردم، می گوید: متاسفانه در این نشست توجهی به نظر میراث فرهنگی نشد، این بی توجهی به حوزه بافت تاریخی تهدید است؛ نیاز است تا مسئولان ما نگاهشان به حوزه بافت تاریخی متفاوت باشد و به مخالف این دستگاه در مصوبه ها بیشتر توجه داشته باشند. ایمانیان می افزاید: در این جلسه با مصوبه مخالفت کردم اما با اینکه میراث فرهنگی حق وتو در جلسه داشت به نظرم توجهی نشد. باید در مصوبه تجدید نظر یا لغو شود.

وی به این سوال خبرنگار خبرگزاری مهر مبنی بر اینکه آیا میراث فرهنگی حریم و ضوابط مشخص برای بافت تاریخی دارد، پاسخ مثبت داده و می گوید: بافت قدیم یک طرح بهسازی و نوسازی دارد که مصوبه شهرسازی و کمیسیون ماده ۵ است. به جز این میراث فرهنگی برای بناهای خودش حریم کیفی و منظری دارد اما با اینحال شهرداری در اجرای این ضوابط دچار خطا می شود.

شهرداری ساختار فرهنگی ندارد

معاون میراث فرهنگی گلستان با اشاره به این مطلب که شهرداری ها ساختار فرهنگی ندارند، ادامه می دهد: معمولا شهرداری به دنبال منافع اقتصادی و افزایش تراکم است. با توجه به اهمیت بافت تاریخی گرگان نیاز است این نهاد رویکردش را تغییر داده و مانند شهرداری هایی مثل یزد به فکر تاسیس شهرداری بافت تاریخی باشد. نکته ای که عبدالرضا دادبود شهردار جدید گرگان وعده آن را داده و می گوید: شهرداری ویژه بافت تاریخی تشکیل خواهد شد.وی اضافه می کند: مدیریت بافت تاریخی تحت عنوان یک شهرداری یا یک سازمانی که متولی آن شهردار گرگان خواهد بود، انجام خواهد شد.به اعتقاد دادبود، تشکیل شهرداری ویژه بافت تاریخی در واقع به معنای ایجاد مدیریت واحد در بافت برای عملکرد بهتر همه بخش ها است.

نماینده میراث فرهنگی هم به این مصوبه رای داد

پیشتر در این گزارش به اعلام مخالفت معاون میراث فرهنگی گلستان برای مصوبه کمیسیون ماده ۵ استان اشاره شد اما رئیس کمیسیون توسعه، عمران، حمل و نقل شهری، معماری و شهرسازی شورای شهر گرگان در گفتگو با رسانه ها این موضوع را رد کرده و می گوید: نماینده میراث فرهنگی هم به این مصوبه رای داده است. به اعتقاد مهران کاظم نژاد، نقش نظارتی میراث فرهنگی گلستان با مصوبه کمیسیون ماده پنج استان، از بین نمی رود.شهرداری و شورای شهر گرگان درحالی سعی در آرام ساختن کارشناسان و علاقمندان به میراث فرهنگی برای مصوبه کمیسیون ماده ۵ استان را دارند که وضعیت وخیم خانه دارویی همچنان پابرجاست و تخریب بخشی از خانه حاجی قاسمی به بهانه رفع خطر و تخریب خانه سیدی و بسیاری دیگر از بناهای تاریخی گرگان از خاطر آنها پاک نشده است. بنابراین با توجه به اهمیت بافت تاریخی گرگان و جاذبه گردشگری آن از مسئولان استانی و شهرستانی انتظار می رود به جای پاک کردن آنچه تاریخ برای این منطقه به جا گذارده به فکر مرمت این بناها باشد و در هنگام تصمیم گیری قدری پیشینه فرهنگی و تاریخی این سرزمین را مد نظر قرار دهند.

تیم بازرسی از تأسیسات گردشگری ویژه نوروز در گلستان ایجاد شد

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان گفت: برای ارائه خدمات بهتر به مسافران نوروزی، تیم ویژه بازرسی از تأسیسات گردشگری در گلستان شروع به کار کرد. رحمان فرمانی در گفتگو با مهر اظهار کرد: آماده شدن تأسیسات گردشگری و واحدهای خدمات رسان برای ایام نوروز از اهمیت خاص برخوردار است، از اکنون فرصت داریم تا آن ها را بررسی کرده و رفع اشکال کنیم تا در نوروز از لحاظ ارائه خدمات به گردشگران مشکلی نداشته باشیم.وی تصریح کرد: لذا به همین منظور تیم بازرسی از تأسیسات گردشگری ویژه نوروز در گلستان ایجاد شد، البته بازرسی از تأسیسات و واحدها در همه ایام سال وجود دارد اما این تیم ویژه نوروز است. فرمانی با بیان این که تیم بازرسی مدتی است که کار خود را شروع کرده است، تأکید کرد: این تیم در شبانه روز به هتل ها، واحدهای پذیرایی، واحدهای خدمات رسان و دفاتر خدمات مسافرتی مراجعه و موارد و پارامترها را براساس لیست های خاص بررسی می کند. وی با اشاره به این که نتایج به واحدها و افرادی که ذی مدخل هستند، اعلام می شود تا اشکالات را رفع کنند، تأکید کرد: در دوره مشخص شده بعدی بازرسان مراجعه کرده تا اقدامات صورت گرفته را بررسی کنند. فرمانی گفت: البته دو تیم تشکیل شده، یکی مشخصاً از واحدهای پذیرایی بین راهی، سرویس های بهداشتی، نمازخانه ها و پمپ بنزین ها تحت عنوان کمیته ضربتی با حضور دستگاه های عضو ستاد سفر کار خود را انجام می دهد ولی این تیم تأسیسات گردشگری را هدف قرار داده است. فرمانی اضافه کرد: یکی از معضلات جدی ما در حوزه گردشگری و جذب گردشگر ارائه خدمات است که با این تیم بازرسی نواقص برطرف می شود و هم بازاریابی و تبلیغ صورت گرفته و هم رضایت مندی مسافر ایجاد می شود. وی مسافر را یک مبلغ و معرف از خدمات و زیبایی های استان برشمرد و اضافه کرد: هدف ما از تشکیل این تیم ارائه خدمات با کم ترین نقص به گردشگران نوروزی است.

کاهش اعتبارات جنگل طرح های حفاظتی را کم رنگ می کند

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان گفت: کاهش اعتبارات در بخش جنگل، طرح های حفاظتی را کم رنگ کرده و این امر حیات جنگل ها را به مخاطره می اندازد. به گزارش مهر، علیرضا علی عرب در حاشیه جشنواره پاییز هزار رنگ گرگان در خصوص طرح جنگلانه منابع طبیعی اظهار کرد: با توجه به این که یکی از فاکتورهای مهم در جهت حفاظت از جنگل و تجدید حیات آن فعالیت های فرهنگی و اجتماعی است ما از این جشنواره ها استقبال می کنیم. وی فرهنگ سازی را رکن مهمی در حراست از جنگل ها دانست و اضافه کرد: همه باید به فکر احیاء و تجدید حیات جنگل ها باشند، متأسفانه در سال های اخیر فشارهای مختلف به جنگل ها وارد می شود که این بستر حیات را تا حدود زیادی با مخاطره روبرو کرده است. علی عرب تأکید کرد: یک نهاد به عنوان منابع طبیعی یا محیط زیست به تنهایی و با وضعیت اعتباراتی که موجود است، نمی تواند از عهده حفاظت جنگل ها برآید، قطعاً برای این کار مشارکت جمعی لازم است که این جشنواره بستری خوبی برای مشارکت مردم است. وی در خصوص طرح تنفس جنگل گفت: یکی از طرح های مهم در جهت حفاظت از جنگل ها طرح جنگلداری است که بهره برداری یکی از کارهایی است که انجام می شود. این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان خاطرنشان کرد: وقتی برداشت چوب کنترل شده نباشد، بیلان آن منفی می شود و بنابراین برای حفاظت جنگل ها طرح هایی با اعتبارات دولتی نیاز است تا که این طرح های حفاظتی توسعه پیدا کنند. علی عرب با بیان این که این نگرانی وجود دارد که با کاهش اعتبارات در بخش جنگل طرح ها حفاظتی را کم رنگ کنیم، اضافه کرد: باید مرزهای جنگل را مانند گذشته حفظ کنیم و از طرفی کارهای احیاء، نهال کاری و بذرکاری را در جنگل انجام دهیم و همه این ها با اعتبارات دولتی انجام می شود. وی تصریح کرد: این طرحی که امروز اجرا شد، نمادین است و اگر بخواهیم نهال به طور کامل مستقر شود باید عوامل تخریب را شناسایی و اثرات آن را برطرف کنیم، در این جنگل مشکل فشردگی خاک وجود دارد که در اثر عبور و مرور ایجاد شده و ما باید رفت و آمد را کنترل کرده و فشردگی خاک را برطرف کنیم. علی عرب تأکید کرد: منطقه باید محصور شده و از عبور و مرور جلوگیری شود و همچنین اثرات فشردگی خاک برطرف و خراش سطحی در خاک ایجاد کنیم تا نهال جدید مستقر شود.

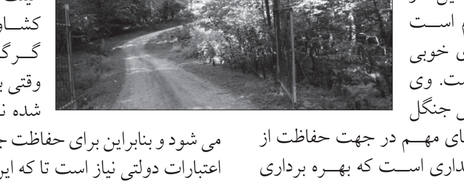

کمبود قاضی مهم ترین مشکل محاکم گلستان است

رئیس کل دادگستری گلستان، گفت: ۵۰ درصد پست های قضایی استان همچنان خالی است و کمبود قاضی همچنان مهم ترین مشکل محاکم گلستان است. به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از روابط عمومی دادگستری گلستان، هادی هاشمیان در همایش ارزشیابی قضات با اشاره به کمبود قاضی در گلستان، اظهار کرد: در دو سال اخیر با توجه ویژه مسئولان ارشد قضایی کشور، قضات جدید به استان اختصاص داده شده اند اما مشکل اصلی ما یعنی نیاز به قضات با تجربه در محاکم بدوی و تجدیدنظر، به قوت خود باقی است.وی افزود: با وجود همه این کمبودها، تلاش جهادی همکاران ما سبب شده دادگستری گلستان در بخش هایی مانند الکترونیکی کردن پرونده ها، کاهش پرونده های مسن، افزایش کیفیت رسیدگی ها و کاهش ورودی به محاکم از استان‌های برتر کشور باشد.رئیس کل دادگستری گلستان در ادامه به روند کاهشی جمعیت کیفری زندان های استان هم اشاره کرد و افزود: صدور آرای جایگزین حبس و استفاده از نهادهای پیش بینی شده در قانون یکی از علل این کاهش است.

» آگهی‌های ثبتی

اخطاریه تعیین طول و ابعاد و مساحت پلاک ثبتی ۳۵۳۸ـ اصلی بخش یک ثبت گرگان

با توجه به درخواست خانم مولود حاجی غلامرضائی فرزند غلامرضا مالک ششدانگ پلاک ثبتی ۳۵۳۸ ـ اصلی واقع در بخش یک ثبت گرگان که سند مالکیت آن فاقد طول و ابعاد و مساحت می باشد مطابق بند ۸ بخشنامه شماره ۹۰/۴۶۸۶۹ مورخ ۹۰/۳/۱۱ سازمان محترم متبوع از آنجائیکه بنا به اظهار نامبرده به آدرس و مشخصات مجاورین دسترسی نداشته لذا به محمدابراهیم؛ زینب؛ سلیمان؛ شوکت و علیرضا شهرت همگی مخیری مالکین پلاکهای ۳۵۴۰ـ اصلی و منوچهر ترابیان مالک پلاک ۳۵۳۷ـ اصلی و مالک پلاک یک فرعی از ۳۵۳۹ ـ اصلی که مجاور ملک مذکور می باشند ابلاغ می گردد چنانچه مدعی حقی می باشند در روز دوشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۴ ساعت ۸،۳۰ صبح به محل وقوع ملک به آدرس گرگان ـ هفت دستگاه دوم ـ کوچه امامزاده ـ کدپستی ۴۹۱۸۶۹۳۹۵۶ مراجعه نمایید.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۶۶

» آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۵۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۷ در کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۷۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای سید مرتضی حسینی فرزند سید کریم بشماره شناسنامه ۲۷۰ کد ملی ۲۲۴۹۰۳۶۳۹۱ صادره از کردکوی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴۳۱/۵۹ متر مربع پلاک باقیمانده ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدا مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۹/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۱۳
عبدالرحمن ایری- کفیل ثبت اسناد و املاک کردکوی- م.الف: ۸۶۴۸

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

سرپرست اداره کل سیاسی و انتخابات استانداری گلستان معرفی شد

سرپرست جدید اداره کل سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری استانداری گلستان با حکم استاندار منصوب شد. به گزارش مهر، به نقل از روابط عمومی استانداری گلستان، با حکم سید مناف هاشمی، استاندار گلستان، احسان مکتبی به عنوان سرپرست اداره کل سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری استانداری گلستان منصوب شد. احسان مکتبی صاحب امتیاز روزنامه گلشن مهر و دارای مدرک دکتری علوم سیاسی است. پیش از این علی میرباقری این سمت را بر عهده داشت.

۱۲۸ هزار واحد روستائی غیرمقاوم در گلستان وجود دارد

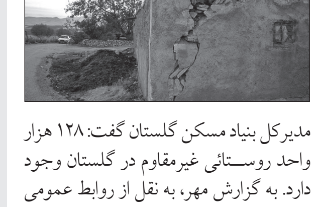

مدیرکل بنیاد مسکن گلستان گفت: ۱۲۸ هزار واحد روستائی غیرمقاوم در گلستان وجود دارد. به گزارش مهر، به نقل از روابط عمومی اداره کل بنیاد مسکن گلستان، محمد تقی زمانی نژاد در مراسم افتتاحیه بهسازی بخشی از بافت تاریخی روستای سرکلاته خراب شهر کردکوی، اظهار کرد: در حال حاضر حدود ۲۲۹ هزار واحد مسکونی روستایی در استان وجود دارد که از این تعداد ۱۲۸ هزار واحد غیرمقاوم است.وی بابیان اینکه از این تعداد فقط ۷۰ هزار واحد در دستور کار مقاوم سازی قرار گرفته است، افزود: مقاوم سازی ۵۴ هزار واحد مسکونی روستائی که از گذشته در دستور کار قرار گرفته بودند، به اتمام رسیده و پایان کار دریافت کرده‌اند.زمانی نژاد با اشاره تهیه طرح هادی برای همه روستاهای شهرستان کردکوی گفت: کردکوی در زمینه اجرای طرح هادی، از شهرستان های موفق بوده و بیش از ۹۱ درصد از روستاییان از مزایای اجرای طرح بهره‌مند شده‌اند. وی با بیان اینکه تاکنون بانک‌ها همکاری خوبی برای اجرای طرح مسکن روستایی داشتند، گفت: بانک‌ها باید از گرفتن ضمانت زنجیره‌ای استقبال کنند تا روستائیان بتوانند به راحتی از این تسهیلات برخوردار شوند. در حال حاضر روستائیان در ضمانت‌ها مشکل دارند و باید دو ضامن کارمند بیرند. زمانی‌نژاد افزود: امسال علاوه بر ۱۸ میلیون تومان وام مسکن، نزدیک به ۶ میلیون تومان تسهیلات مسکن مهر ایرانیان به عنوان متمم به روستاییان داده می‌شود و آنان می‌توانند از این وام‌های کم بهره اما طولانی مدت برخوردار شوند. به گفته وی، در بیشتر روستاهای استان فاز یک اجرا شده و فازهای بعدی که اجرای آنها ضروری است، نیاز به اختصاص اعتبار دارد و دلیل آن هم کمبود میزان تخصیص اعتبار در یکی دو سال اخیر است.

تامین ۳۷ میلیون لیتر سوخت کشت پاییزه بخش کشاورزی گلستان

رییس اداره فناوری های مکانیزاسیون کشاورزی جهادکشاورزی گلستان گفت: ۳۷ میلیون لیتر سوخت مورد نیاز کشاورزان استان برای ادامه عملیات برداشت و نیز کشت محصولات جدید در فصل پاییز تامین و در اختیار مراکز توزیع در شهرستان ها قرار گرفت. عید محمد فاروقی در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: این مقدار سوخت برای کار کرد ۳۵ هزار انواع تراکتور، کمباین، چاپلر و تیلر فعال در حوزه کشاورزی استان تامین شده است. به گفته وی؛ در فصل پاییز علاوه بر برداشت دانه های روغنی از جمله پنبه و سویا، عملیات کشت محصولات پاییزه از جمله گندم، جو، کلزا، چغندر قند در سطح حدود ۵۵۰ هزار هکتار از زمین های استان آغاز می شود که امسال بیشترین سطح با ۳۵۶ هزار هکتار سهمیه ابلاغی به گندم اختصاص دارد. استان گلستان واقع در شمال کشور از قطب های تولید گندم کشور به شمار می رود، مصرف سالانه گلستانی ها حدود ۳۰۰ هزار تن بوده و بقیه محصول برداشتی به سایر استانها برای تامین نان آنان در طول سال حمل می شود. طبق گزارش سازمان جهادکشاورزی گلستان در سال زراعی ۹۵- ۹۴، گندمکاران استان یک میلیون و ۳۲۰ هزار تن محصول تولید و رتبه دوم کشوری را بعد از استان خوزستان کسب کردند. گندم گلستان با ۳۰ درصد گلوتن جزو مرغوب ترین گندم تولیدی کشور به شمار می رود.

خبر

سرمایه گذاران باید امنیت داشته باشند

وزیر اطلاعات تاکید کرد: مسئولان باید به گونه ای عمل کنند که سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری احساس امنیت کنند.به نقل از پایگاه اطلاع رسانی وزارت اطلاعات، حجت الاسلام و المسلمین سید محمود علوی امروز (شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۶) در جلسه شورای اداری استان گلستان با اشاره به ایام ربیع الاول و هفته ی وحدت اظهارداشت: رشد و تعالی مسائل معنوی و عبودیت در گرو وجود امنیت است و باید به آن اهتمام جدی داشت.وی با اشاره به نامگذاری امسال به عنوان سال اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال، تصریح کرد: در سایه امنیت و سلامت می توان به اقتصاد مقاوم دست یافت و مسئولان باید به گونه ای عمل کنند که سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری احساس امنیت کنند.وزیر اطلاعات افزود: حمایت ما از سرمایه گذار به خاطر سرمایه گذار نیست تا هر موقع بخواهد به اقتصاد کشور شوک وارد کند، بلکه به علت سرمایه گذاری و ایجاد فرصت شغلی در جامعه است.علوی گفت: در مواجهه با تخلفات اقتصادی باید از بروز تخلفات پیشگیری کرد و برای افزایش سرمایه گذاری نباید از فساد اقتصادی چشم پوشی کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود امنیت، عدالت و آرامش را حق مردم دانست و افزود: حکومت اسلامی باید چتر امنیت را برای همه آحاد جامعه از هر قوم و مذهب و ادیان مختلف بگسترانند.وزیر اطلاعات با اشاره به آموزه های دینی و رعایت حقوق و عدالت، اظهار کرد: امیرالمومنین علی(ع) مدافع حق پایمال شده‌زن یهودی غارت زده بود.علوی اجرای عدالت، حرمت گذاری، تامین معیشت، محبت و نیکی برای همگان را وظیفه حکومت اسلامی دانست و گفت: هر کس درون نظام دل در گرو حکومت اسلامی دارد باید از همه امکانات به ویژه امنیت برخوردار شود و وزارت اطلاعات به عنوان یکی از تاثیرگذارترین عناصر تامین امنیت، وظیفه خود می داند برای همه مردم فعالیت کند.وی افزود: آرامش کنونی جامعه نتیجه چنین روشی است که مکتب اسلام برای ما در نظر گرفته است و مسئولان استانی وزارتخانه نیز از محبوبیت شایانی در میان مدیران برخوردارند.علوی در پایان با اشاره به رویکرد چرخش نخبگانی درون وزارت اطلاعات، از تلاش های مدیرکل سابق اداره کل اطلاعات استان گلستان قدردانی و مدیرکل جدید را معرفی کرد.

عملیات اجرای پروژه خط عریض راه‌آهن اینچه‌برون پایان یافت

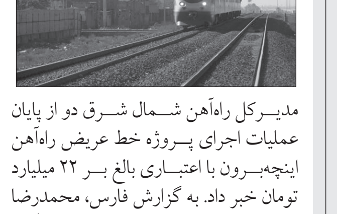

مدیرکل راه‌آهن شمال شرق دو از پایان عملیات اجرای پروژه خط عریض راه‌آهن اینچه‌برون با اعتباری بالغ بر ۲۲ میلیارد تومان خبر داد. به گزارش فارس، محمدرضا قربانی اظهار کرد: پروژه خط عریض راه‌آهن اینچه‌برون ۳ هزار و ۲۰۰ متر بود که در چهار خط اجرا شد، همزمان با اجرای این طرح یک پل هشت متری و یک پل باکس ۵۲ متری ساخته شد.وی تصریح کرد: شروع آغاز عملیات این پروژه پنج آبان بوده و پنجم آذرماه جاری به اتمام رسید، این طرح قرار بود در مدت ۶ ماه تکمیل و به بهره‌برداری برسد که با فعالیت بی‌وقفه در مدت کمتر از یک ماه تکمیل شد.مدیرکل راه‌آهن شمال شرق دو افزود: اعتبار پروژه مذکور ۲۲ میلیارد تومان بوده است، با بهره‌برداری از این پروژه تجار و بازرگانان که برای تعویض بوژی باید ۱۸۰ فرانک سوئیس پرداخت می‌کردند دیگر نیازی به تعویض بوژی برای واگن‌های صادراتی نیست، این اقدام باعث صرفه‌جویی و مانع خروج ارز از کشور خواهد شد.

دعوت به همکاری

مرکز توانبخشی ناجی گرگان به یک نفر با مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد فیزیوتراپی یا کاردرمانی، جهت مسئول فنی در شیفت صبح نیازمند است.

تلفن تماس: ۰۹۱۱۹۲۵۳۰۲۳

درباره ی تئاتر کار-خانه گی

سردار شمس آوری-هر اثر هنری به خصوص، و هر کار نمایشی به ویژه، خصلت هایی از خود می نمایاند که بر حسب آنها مخاطب-منتقد سعیدارند کار را دوباره در متن انتقادی خود(چه یادآوری مخاطب باشد چه مطلب منتقد) واسازی کنند. اولین و همیشه گی ترین کاری که درباره ی آثار نمایشی و هنری می کنیم، احصای آنها به طریق نامیدن شان است. اینکه یک کار را تمثیلی، توصیفی، رئالیستی، ابزورد یا کذا و کذا می نامیم، هم برای کار خویش به مثابه مخاطب_منتقد یک چهارچوب می سازیم، هم بر آنچه اثر از خودش در قالب بوطیقای خویش تاکید کرده اشاره می کنیم. به هر روی، لوازم ، رفتارها، ابزار ها و اختیارات هر کاری محدودیت هایی دارد و شیوه ی استفاده از این ها هم به طول تاریخ تا بدین لحظه نام هایی به خود گرفته. دیر زمانی است که به ندرت اتفاق می افتد که در این ملزومات و ابزار ها یا در شیوه ی استفاده از آنها تغییرات و جهش های چندان بنیادینی ببینیم. هر آنچه هست نحوه ی نمود وانتخاب آن بلاغت ها ، شیوه ها و سبک ها است حسب شرایط تولید اثر هنری در زمانه ی خودش. یعنی هر اثر هنری به نسبت انتخاب ها،کردار و کارهایی که می کند و می نماید، در برابر نحوه ی تولیدِ خویش و شیوه ی های تولیدِ اثرِ هنری در زمانه ی خویش موضع می گیرد. پس می توان یک کارِ نمایشی را بر اساسِ موضوع و موضع اش در قالب نامهایی احصا کرد و درباره اش بر اساس رابطه اش با بوطیقای خودش و بر اساس نسبتش با زمانه اش صحبت کرد. معلوم است که هیچ اثری صد در صد ناتورالیتسی یا سوررئال یا نمادین نیست. وقتی می گوییم فلان کار نمایشی رئالیستی است منظورمان چنین چیزی است که همزمان که با تمثیل و نماد و استعارات کار را پرداخته اما (احتمالن) در نهایت بر ویژگی های رئال در توصیف و انتقال مفاهیم و بر روایتِ واقع گرایانه بیشتر تاکید داشته است. یعنی معمولن هر اثر هنری با عمود شدن بر یکی از رفتارهای بلاغی یا موضوعی بر خودش برچسب می زند و این به معنی کنار گذاشتن سایر رفتارها و موضوعات فرمی یا مفهومی نیست. تئاتر کارخانه گی به کارگردانی نرگس بهروزیان، بر اساس نمایشنامه ای از فرانتس کسافر کروتس، و با بازنویسی عرفان غفوری در حال اجرا است. درباره ی کروتس به شکلی عام و متداول می دانیم که ساده نویس است و بسیاری از شخصیت های نمایشنامه هایش را کارگران و دهقانان تشکیل می دهند. به لحن و زبان همان شخصیت ها می نویسد و طرح و توطئه ها و نقاط بغرنج و مهار قصه هایش هم همان قدر ساده و سخت مثل زندگی آن طبقات در فشار و بی نوایی است که به متن اش احضار می کند. همین مختصر توضیحاتی که درباره ی نمایش نامه های کروتس به معمول ترین معنای اش می دانیم اولین مسئله ی ما با اجرای ایرانی اش را روشن می کند. در اجرای نرگس بهروزیان و متن بازنویسی و طراحی شده ی قصه ی کروتس ما با نوعی از ابزوردیسم (و نه نمایشی ابزورد) رو به روییم. ابزوردیسم درمعنای غیر سیاسی و شخصی آن زمانی است که زندگی شخصیت های قصه محیط زدایی می شود. زندگی بالفطره پوچ و بی هدف می نماید. معنای زیست خانواده ی احضار شده به روی صحنه از ازل و ابد همین قدر سخت و دور و تاریک می نماید. انگار که هیچ تاریخی بر آنها نگذشته باشد. عمل تلخ و تصمیم خبیث را انگار مرد به تنهایی می گیرد. بی انکه اجرای کارگردان بتواند به نحوی دست کم نشان دهد که مرد اگر ملعون هم هست محصول محیطی است که ملعون اش کرده نه معلول یک ابزوردیسم ذاتی که به شکلی ازلی و ابدی پوچی و سختی و درد را بر این خانواده (شاید) تحمیل کرده باشد. یک استقبال مخصوصی از زن در اجرای بهروزیان می شود به این معنا که وی مبرا است از اتفاق تراژیک نمایش، او را محکوم آن شرایطِ ذاتی ای می داند که شوهر وی دید آورده. باز بی آنکه نشان بتواند داد که هم زن و هم مرد محصولاتی هستند از شرایط ایدئولوژیک خودشان، آنها به جبر تاریخی و محیطی به چنین وضعیتی تراژیکی رانده شده اند. اما بهروزیان وحوه فمینیستی ای را در اجرای اش برجسته می سازد که به خودی خود بد نیست اما به قواره ی نمایشنامه ی کروتس تنگ است چرا که آن متن از چنین ایده ای (فمینیستی) جامع تر است دو دیگر اینکه چنین رویکرد فمینیستی خود نیازمند نشان دادن دقیق تاثیرات تاریخ و محیط بر عمل و فرد فمینیست است. کار بهروزیان در اجرا متکی است بر ساختن نشانه های حرکتی و میزانسن های استعاری برای روایت کردن قصه. بسیار هم خوب. نقطه قوت این کار همین دقت دقیق در کارگردانی و طراحی نشانه ها و استعاره ها و پی ریختن میزانسن ها است برای پیش بردن کار به کمک همزمان طراحی صحنه و صداها. باز هم چه خوب. اما این تأکید بر این گونه کارگردانی با افراطی که در دقایق اولیه به خود می گیرد به شرطی می توانست اعتلا یابد که یا متن را (به مثابه دیالوگ) در همه ی کار دخیل نمی کرد یا دست کم متن خود تبدیل به ابزاری استعاری و بارور از نظر تفاسیر نشانه شناسانه می شد. اتفاق هایی که نیافتاد، متن در حقیقت در کار بهروزیان تبدیل به حمالی شد برای پیش بردن قصه آن هم جاهایی که کارگردان از پیش بردن نشانه های حرکتی و میزانسن ها ناتوان _یا حداقل خسته شده_ یا حتی شاید به خاطر فهم مخاطبان ترسیده که افراطی بماند. متن به مثابه دیالوگ هیچ گاه نتوانست استعاری یا فلسفی (در معنای عام اش) بشود که مستقل و محفوظ در کنار آن میزانسن ها و شگردهای کارگردانی روایت را به انجام معلوم اش ببرند. متن هراس و محافظه کاری کارگردان بود که چونان ابزاری برای پیش راندن صرف قصه از آن سود جست و رها شد. کار خانه گی به حق تئاتر خوبی بود و می توانست بسیار پیش و بیش از این حرف ها، بیشتر و پیش تر برود و ببرد خویش را و توقعات از خویش را به جانبی که به خلاقیت های کارگردان اش لایق تر است.

قاتل اهلی؛ روزگار حالای کابوی تنها

کیومرث سلیمانیان مقدم

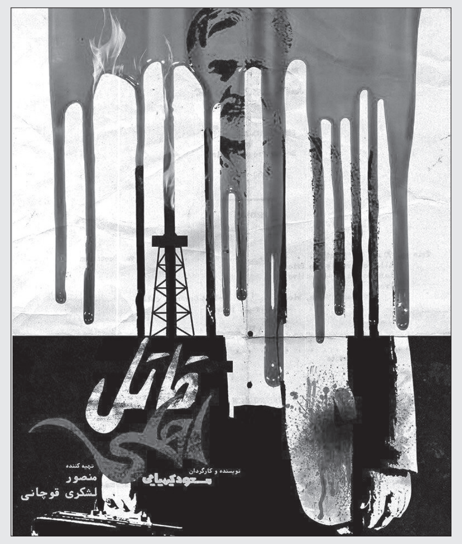

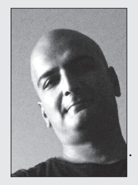

این را بگوییم که سینمای کیمیایی و فیلم هایش را دوست دارم . با این ریخت ، تکلیف شما و متن روشن تر است . چیزی نمانده که از کیمیایی که گفته نشده باشد تقریبن. اینکه تقریبن می گویم ، بی خبری است از آینده ، که حالا چه زاید برای ما زمانه اما کیمیایی ، با تمام گذشته و داشته ها و نداشته هایش انسان مهم و تاثیرگذار و بی شک ، ماندگاری است . به هر شکلی هم اگر کسی یا جریانی بخواهد او را تخفیف کند ، نه که نتواند ، نمی شود . حوزه ی تاثیرگذاری اش از درک زمانه اش تا آدم هایی که به سینما معرفی کرده باز است و قابل تاویل . کیمیایی به وقت اش کارش را کرده کم و بیش . و اصلن همین که کارش را کرده یا نکرده ، خودش دعوای دیگری است . این دعوا همیشه بوده و همه هم می دانند که دعوای خوش و شیرینی است . کیمیایی نشان داده که حاشیه های کم ارزش اش هم دنبال کردنی است انگار (ارجاع تان می دهم به داستان پردازی اش در مورد مرگ فروغ و شستن اش و تمام آن بلبشوی بعد حرف هایش) و شاید جذابیت پنهان او در این باشد که ذهن و سواد کیمیایی از فیلم هایش جلوتر است . با یک نگاه گذرا به تمام آنی که درباره و از کیمیایی گفته اند و نوشته اند ، راحت دست آدم می آید که دیدن یک فیلم از او و گفتن از آن ، خواه ناخواه پای تمام آثارش را به میان می کشد . مخصوصن در این دو دهه ی گذشته . بزنگاه هایی دارد آثار کیمیایی . بدون آن بزنگاه ها ، نمی شود رفت سراغ ((سینمای کیمیایی)) . از قیصر و گوزن ها و به زمان خودش ، همینطور بگیر بیا تا دندان مار و اعتراض و سربازهای جمعه و حالا هم قاتل اهلی . حقیقتن اگر بخواهیم از طرفی وارد فیلم هایش شویم که برود به سمت یک نقد ساختارگرایانه ، شاید غیرقابل دفاع ترین کارگردانی باشد ، که سینمای ایران به خودش دیده . حرف دارد و ادعا و کاربلد در فهم چیزی که می خواهد بگوید. ولی در اجرا دچار نقص هایی است . که البته در تمام آثارش اینطور نیست به حق . مخصوصن آثار قبل انقلاب اش که قابل دفاع ترند و شسته رفته تر شاید . این نقص ها از کجاست ؟ سینمای کیمیایی موتیف هایی داشت که انقلاب این موتیف ها را از او گرفت . و او توانست در پروسه ای جایگزین هایی برایش پیدا کند . اما از زبان بیان درست این موتیف های جدید را پیدا نکرد . با شکل بیان آن موتیف های قدیمی ، به شرح موتیف های جدیدش پرداخت و در خیلی جاها گنگ و نامفهوم و رها شده در فیلم هایش حضور دارند . چون در این موتیف ها توافق ضمنی ای وجود دارد بهشان نمی پردازم . سینمای او یک تناقض بزرگ دارد . کیمیایی به تجربه ی دیدن و مطالعه ای که همه ی اهالی سینمایی و غیر آن رویش داشته اند ، یک کارگردان غریزی است . گاهی اوقات چنان به مرکز یک اتفاق درست می تازد که چنین نبوغ بینظیری از او ، کم انتظار می رود و گاهی چنان لودگی می کند که هیچ جای دفاعی برای خودش باقی نمی گذارد . اما کیمیایی با سینماو سینمایش حال می کند . کیف می کند . عشق می کند . واقعن نمی دانم این کیف کردن و در کل حال کردن ، کجایش ایراد دارد ؟ کسی با سینمایش کیف می کند . البته که حق داریم از این مدل و فیگور خوشمان نیاید ، اما اینکه چطور بتواند چیزی مثل عدم علاقه ی ما دست آویزی برای تکفیر یک فیلمساز باشد ، برایم قابل درک نیست . مطمئن هر عیش و کیفی ، استمناء نیست . که اگر هم باشد ، خوب هست که هست . بازهم عامل تکفیر نیست . حتی در اخلاقی ترین نگاه . خودم به شخصه با این عشق و کیف ، کیف می کنم و به شدت برایم قابل احترام است . که البته این دفاعیات یا حملات هیچ وقت برایش مهم نبوده ، اینطور که نشان داده از خودش . مهم هم نیست واقعن. حرف سر آن بزنگاه هاست که به شدت تنیده با ایران و جامعه اش در آن زمان بوده و حالا هم هست انگار با قاتل اهلی . همین تناقضی که رفتار غریزی کیمیایی در سینمایش به وجود می آورد ، کار را حقیقتن برای نوشتن از او سخت می کند بیشتر اوقات . ولی این غریزه ، شیرین است . کلنجار رفتن با آن هم شیرین است . المان هایی دارد این غریزه ، که از مردم و برای مردم گفته شده و به یادگار مانده . این اسم مردم را بردن زیادی کلی نگری است . برای رفع و خروج از این کلی نگری جبرن باید رجوع کنیم به همان بزنگاه ها . این رجوع هم نمی تواند خیلی قابل بیان به صورت رسمی باشد (منظور اینجا در ارائه ی رسمی اش می شود) گرچه نگفتن اش بهتر از گفتن اش است . چون تکرار مکررات است و چیز زیادی دستمان را نمی گیرد . متن را پیشاپیش سانسور نمی کنیم . نمی گوییم که فایده دارترش کنیم . رجوع کنید به سال های ساخت همان آثار و همان بزنگاه ها و اتفاقات زمانه را مرور کنید . که البته این پرانتز برای سن خاصی به پایین است . اصل نوشتن حالا هم برای قاتل اهلی است .صاف می روم سراغ آنی که فیلم می تواند باشد و آنی که هست . آنی که می تواند باشد ، یک تدوین دوباره است با همین مواد . زمانی که برای دیدن فیلم با رفقا رفتیم سینما ، همان جا قول اش را دادم که فیلم در شبکه ی نمایش خانگی آمد دوباره خودم تدوین اش خواهم کرد . اینجا هم می گویم و کاش بشود به دست خود کیمیایی هم رساند . بالاخره بازی جذابی است . که البته این تکنیک کار است و متاسفانه غیر از دو یا سه سکانس ، این تکنیک خیلی قابل دفاع نیست . سکانس شروع کار . سکانس داخل ماشین سیاوش که از عشق میان او و مهتاب می گفت که چه حیف بی نتیجه ول شد و سکانس رستوران با حمیدرضا آذرنگ . الباقی فقط ساخته شده اند که در کار باشند . نه بازی چشم گیری و نه نمای چشم نوازی و نه موسیقی منحصر به فردی و نه تدوین قابلی . اما ریتم کار تا حدودی حفظ شده با همین نقص ها . ولی بزرگترین نقص کار ، حضور و نقش پولاد است . گفته شده چندبار ، که این نقش به شدت و به زور به کار سنجاق شده . اینجا هم باز می گوییم که : بله . این نقش اضافی است . به چند دلیل روشن . روشن ترین دلیل ، ساده ترین سوال است برای دلیل حضور یک کاراکتر در فیلم است . چرا ؟ چرا پولاد و کاراکترش ؟ در خود فیلم هم اگر دنبال مدلول ها بگردیم و تاثیر و میزان پیش برندگی کاراکتر پولاد را در آنها واکاوی کنیم ، خود فیلم و داستان اصلی و ریتم کار ، پولاد را حذف می کند. مهتاب (آهنگرانی) عاشق بهمن (پولاد) است و بهمن هم . سیاوش (جدیدی) انگار عشقی قدیمی و کهنه به مهتاب دارد . که قبل تر نوشتم ، سکانس ماشین سیاوش که مهتاب از او ، از علاقه اش به خود می پرسد ، چقدر سکانس خوبی درآمده . تا اینجای کار ایرادی نیست . و تا جایی که سیاوش خبر جعلی اعتیاد بهمن را به روزنامه می دهد تا بتواند خبر جعلی دیگری که جلال سروش را نشانه رفته حذف کند و بپوشاند ، این حسادت و عشق هم دیده می شود و هنوز جای کار دارد . ولی ناگهان تیتر اعتیاد بهمن درشت می شود در فیلم و کلن مثلث عشقی ما فراموش می شود و به جای پرداخت به این مثلث که می توانست در کنار داستان و کش مکش های جلال سروش ، فیلمنامه را چندلایه و دیدنی تر کند ، پرتاب می شود به سکانس طولانی و کسل کننده ی تقابل بهمن و جلال سروش و حرافی و حرافی و حرافی . شاید بشود آن ترک هایی که پولاد خوانده و به سری بیانیه ی نسلی به نسلی به حساب می آید انگار ، را در فیلم تحمل کرد ولی تاسف ابتر ماندن این مثلث عشقی تا انتها با تماشاگر می ماند و می شود درشت ترین ضعف و نقص فیلم . نقص های رفتاری فیلم در تکنیک ، به همین جا خلاصه نمی شود. تنها نمایی که از لعبازنگنه در فیلم هست و سکانس اش ، فقط اشاره ای است ، که به وضوح نما کم دارد . شاید تعدد نمای بیشتر و مشخص تر بی دیالوگ بودن اش ، سکانس را کامل می کرد. سکانس سونا که ارجاع خوبی می توانست به سکانس معروف حمام در قیصر باشد ، کمی کمدی درآمده . آن هم دلیل مشخص اش ، دوباره کم داشتن نماست . چقدر این سکانس می توانست خوب باشد و کیمیایی بارها نشان داده که خوب بلد است درآوردن این مدل سکانس ها را . و البته نقش پرویز پورحسینی جای کار و پرداخت بیشتر داشت که بی شک تمام این نقص ها به دلیل بی دلیلی در حضور کاراکتر بهمن است که وقت فیلم را گرفته . اما آنی که کار هست همه اش پیشنهادی است که کیمیایی می دهد . این جنبه ی کار کمی تنه به شخصیت های فیلم های حاتمی کیا می زند . در این فرق که حاتمی کیا با آدم های موجود حکومت کار دارد اما کیمیایی نه . او دارد پیشنهاد می دهد . آدمی را با مختصاتی معرفی می کند که برای حکومت آشناست . اما تا این اندازه سلامت ، هنوز در عرصه ی سیاسی ما به بازی گرفته نشده . شاید علی مطهری بتواند آن نقش را ایفا کند اما چند فرق کلیدی دارد که قابل حذف نیستند و یکی راست گرا بودن اش هست . آدم کیمیایی نه راست است و نه چپ . که البته این فقط ادعاست . رفتارش به اپوزوسیون درون نظام بیشتر شبیه است . او آدم همین نظام است با تمام کارکردهایش . پس یا اینطرف می شود یا آنطرف . که البته به لطف احمدی نژاد طرف جدیدی هم گشوده که شاید بشود اسمش را ((همین _ همان وری)) گذاشت . او آدم هیچ کس نیست اما برای مردم نفس می کشد . ادعایش نه جنگی است که در آن بوده و نه روابط اش و نه اندازه ی قدرتی که دارد . ادعای او دقیقن در شعارهایش هست . کیمیایی خیلی خوب بلد است که شعار بدهد . کار سختی است خوب شعاردادن . کیمیایی خوب شعار می دهد. عزیزی بعد دیدن فیلم گفت که :((خوب تمام چیزی که کیمیایی قصد گفتن اش را داشت ، هر روز در کانال های تلگرامی و شبکه های مجازی ، خوانده و دیده می شود . چه فایده ؟)) همین جا می تواند گرانیگاه حرف من باشد که اصلن مهم همین است . آنچه که در عرصه ی غیر رسمی عمومی دیده و شنیده می شود ، به عرصه ی رسمی عمومی مردم کشیده شده . داروهای تاریخ مصرف گذشته و مرگ و میرهایشان ، شرکت های با اسم و رسمی که اصل کارشان را فراموش کرده اند انگار و حاشیه های عجیب و غریب شان ، آدم هایی که از ناکجا به همه جا می رسند و بی اخلاقی اولین رفتار و منش وجودی شان می شود و همه چیز در دارایی بیشتر تعریف می کنند ، کارخانه هایی که بسته می شوند بدون دغدغه ی کارگر و گرسنه گی و ... در فیلم به وضوح گفته می شود و نیازی به تیتر کردن تمام شان اینجا نیست . پیشنهاد کیمیایی برای برون رفت از این فروپاشی ای که آغاز شده ، روی شخص می گردد . شاید بشود این گیر را به او داد که شخص نمی تواند در حالای ما کار موثری بکند . بلکه یک جریان فکری _ فرهنگی کار شده ، با پایه های متقن و کافی فلسفی است که می تواند سیاسی شود و تاثیرات اش را بگذارد . اما کیمیایی این را بلد نیست . او آدم ها را می شناسد و اصلن قهرمان دوست است . نمی تواند تصویر درستی از یک جریان نشان دهد به صورت یکه . او جریان را با آدم هایش می شناسد و البته آدم هایی که خودش بلد است و می شناسد . اینکه عصر قهرمان پروری گذشته یا نه ، بحث گل گشاد دیگری است . جایش اینجاها نیست حقیقتن . ولی حرف کیمیایی حول همین تیتر می چرخد. او هنوز کابوی تنها را دوست دارد . نه اینکه نتواند آداب جدید و امروزی تری برای این کابوی تعریف کند . مطمئنن می تواند و توانایی اش را هم دارد . در ((محاکمه در خیابان)) نشان داد بلد است . با تمام تاثیرات اصغر فرهادی ، کیمیایی جای خودش را در آن فیلم دارد . ولی بگذارید بگوییم ، نمی خواهد . که اگر می خواست همان ریتم و شکل و سواد ((محاکمه در خیابان)) را ادامه می داد . که نداد . ((قاتل اهلی)) فیلم مهمی است . و می تواند در تاریخ و روزگار خودش و بعد آن قابل مصرف و استفاده باشد . حالای سینمای ما آثاری با این اندازه از دغدغه تولید نمی کند . حقیقتن خیلی ها این مدل فیلمسازی را بلد نیستند . آنهایی هم که بلدند ، کارهای شخصی ای می سازند که زیاد قابل ارجاع به زمانه ی ما نیست . هر چقدر هم که درست و صحیح و بی غلط ساخته باشند . که البته شاید کم باشند آثار پر از دغدغه ی ما و شما و اطراف مان . ولی هستند . اسم نبرم ولی هستند .

((قاتل اهلی)) یکی از آن کارهاست ، بی ارفاق .

از چشم انداز کثرت

محمدجانبازان-رسیدن به نتیجه ای منطقی و همگان شمول در بحث و ارائه چشم اندازی روشن با ساختاری مناسب، به منظورحصول معرفت یک گزاره درمواجه با یک پدیدار، مارا برآن می داردتا در مقام فاعل شناسابه تفصیل و با نگرشی چندسویه به بررسی سابژه مورد بحث پرداخته و حتی الامکان با نگاه پدیدار شناسانه افق آن راروشن نمائیم.اینکه پلی فونیک چیست و اصولا چندصدایی بودن متن تا چه میزان می تواند در تحقق جامعه ای دموکراتیک موثر واقع شودتافی المثل درعالم فرهنگ بتواند دربرابر دستگاه عظیم سانسورمتن،مالف و مخاطب ایستاده و در برابر آن مقاومت نماید نیاز به شناخت ساختارهای کلان روایی در حوزه الهیات،سیاست،سنت،بوم گرایی و....دارد. اینکه در جوامع سنتی،پدرسالار و غیر دموکراتیک بانگاهی طبقاتی از یک سو تلاشی موثـردر حذف تمام صداها در مواجه و غلبه صدای واحد می گردد وفی المثل کوششی شگرف به منظور عدم حضور زنان بعنوان برترین صدای خاموش متن صورت می گیرد تا امکان تضلع و چیرگی کلان روایتها رایدید می آورد خود می توان موضوع چالشی جامعه شناختی نسبت به جهان متنی گسترده بنام انسان و جامعه انسانی باشد. پلی فونیک شورشی است در متن که در مواجه با تک گفتمانی غالب سنت رخ می دهد و امکان به ظهور رسیدن وشنیده شدن صداهای مغلوب در برابر تضلع صدای واحد-کلان روایت-راازمیان بر می دارد. سقراط می گفت:((حقیقت درنزد همگان است)) این می تواند سرآغاز نگرش تکثر گرا در حوزه فهم معنای حقیقت و دیباچه فهم و ایجاد بستر چندصدایی و عدم چیرگی یک گفتمان بر دیگر گفتمانها بوده وآغازنگرش تکثر گرا در حوزه حقانیت اندیشه ها باشد. آنچنان که میخائیل باختین نیز در ادامه روند منطقی نظام اندیشگانی همگانی و چند صدایی در متن برآن است که پلی فونیک بستر ایجاد چند یاچندین صدای هم عرض را در حرکت موازی روایتهادرمتن بوجودآورده بطوری که هیچ کدام از روایتهای طرح شده بر دیگری غلبه نداشته و تقدم و تسلطی در بین روایتهاوجود ندارد. در پلی فونیک تقابل کلان روایتها باخرده روایتها از میان برداشته شده و امکان چیرگی یک روایت بر دیگر روایتها از میان خواهد رفت بطوری که هر شخصیت بعنوان نماینده مدل فرهنگی ویژه ای تنها سخنگوی طبقه مورد نظر خود باشد. در این رویکرد گفتمان غالب سنت که بصورت متکلم وحده و از افق دانای کل ساطع می شد از میان برداشته شده ودستگاه استبدادی مالف سرکوبگرسنتی نمی تواند به مثابه یک توتالیتر با غلبه برمتن امکان حذف صداهای دیگر را یافته و گفتمان واحد متن باشد. باختین بعنوان احیاکننده پلی فونیک در روسیه معتقد بود که پلی فونیک به چند وجه خودرا درمتن نمایان خواهد کردو از خلال این روش، فرهنگها،شخصیتها،روایتها،زاویه دیدهای گوناگون امکان مواجهه با یکدگر را در متن یافته و در رویکردی حلزون واردر مقابل هم به تبادل فرهنگ خواهند پرداخت:

-تعدد و تنوع صداها به مثابه گفتگوی فرهنگ‌ها
-انعکاس صداهای سرکوب شده در جهت هم عرض شدگی روایتهادرمتن
-اقسام زاویه دید در جهت تکثرگرایی
-تاثیرگزاری شخصیتهای متن بریکدگر

بی آنکه برآن باشیم تا در نگاه تاریخی وامداری پلی فونیک از موسیقی رامطرح کنیم باید به این نکته توجه داشت که چند صدایی شورشی است در مواجه با گفتمان چیره در متن. رخدادی که امکان هرگونه پیش داوری، چیرگی،قبض واخذ هر نظام از پیش تعین شده را گرفته و بستری برای موازی سازی صداهای گوناگون بعنوان نمایندگان گفتمانهای متکثر را در متن فراهم می آورد. هر گونه باور به اولویت انگاری در بین روایتها،حقانیت یک ایده بر دیگر ایده ها، امکان عصیان یک گفتاردر متن، طبعیت از هر گونه نظام و یا ساختار ذهنی،حذف امکان ارزش گزاری روایتها و در مجموع برچیدن استبداد راوی کلان را از میان برداشته و گونه ای از دموکراسی را برای ذهن و زبان و متن و مخاطب فراهم می آورد. من برآنم که تنها وجود چند گفتمان؛چندین تخاطب و چند راوی در متن نمی تواند ضمانت تولید متن پلی فونیک باشد چرا که یک متن می تواند مولد چند صدای مشابه با یک روایت واحد و یا یک روایت واحد از زبان چند روایتگر مشابه در متن باشد. التزام به تفاوت و تضاد روایتها در متن می تواند وجه تشخص پلی فونیک بوده و امکان و ضمانت ظهور صداهای مختلف رادرمتن فراهم آورد. گاه این گفتمان می تواند از زبان یک راوی واحد اما نه بصورت متکلم وحده ظهور کند. راوی واحد به روایت روایتهای متعدد می پردازد و تنها نقش گزارش گر روایات را برعهده داشته و بی آنکه به غلبه یک روایت بر دیگر روایات تن دهد، تنهابه بیان صورت حقیقت متکثر در شخصیتها و روایتهای مختلف و متضاد موجود درمتن پرداخته و خود از هرگونه قضاوتی در متن و برمتن مبراست. در شعر گاه مالف بعنوان صدای واحد متن، کنار گذارده شده و امکان وجود چشم اندازهای متفاوت و ظهور گفتمانهای گوناگون پدیدار می شود.

من برآنم که گاه متن امکان قرات های گوناگون را درخود و برای مخاطب خویش فراهم آورده و به تولید چندگفتمان در بیرون از فضای متن روی می آورد. این چند صدایی در تاویل ها و چشم اندازها رخ خواهد داد.چشم اندازهایی که به تکثر زبان و معنای متن در ذهن و زبان مخاطب منجر می گردند. از این منظر فی المثل متن حافظ را می توان به مدد روایتهای ضمنی و تاویل های گوناگون در زمره متون پلی فونیک جای داد.

داستان وشعر

داستانکی از آفاق شوهانی

زلزله

سه روز از زلزله می‌گذرد، از دیروز تا حالا هیچی نخورده‌ام. سرم گیج می‌رود، مردی می‌دود و داد می‌زند: صبر داشته باشید به زودی بسته‌های خوراکی توزیع می‌شود. دیگر نای ندارم روی خاک‌ها دراز می‌کشم. سرم را روی سنگی می‌گذارم. با صدای قور و قار روده‌هایم از این پهلو به آن پهلو می‌افتم. به گوشه‌یی خیره می‌شوم. نور چشم‌هایم را می‌زند. سرم را کمی بلند می‌کنم. خبری از نور نیست. دوباره سرم را روی سنگ می‌گذارم. نور می‌تابد. به طرفش می‌روم. انگشتری‌ست و پنجه‌ی دست یک بچه در آمده از زیر خاک. می‌نشینم خاک را کنار می‌زنم. از بقیه‌ی جسد خبری نیست. انگار دست پرتاب شده این گوشه. دست را می‌شناسم. دست مریم دختر همسایه است، روزهای قبل از زلزله در کوچه با هم بازی می‌کردیم، از انگشترش خوشم می‌آمد. بدل بود خودش هم می‌دانست اما آدم عاشق سنگ‌های آبی‌اش می‌شد. انگشتر را از انگشت مریم درمی آورم، به دستم می اندازم، دست مریم را در آغوش می گیرم به لبهایم نزدیک می کنم، آب دهانم روی دست مریم می ریزد. تک تک انگشت‌ها را مزه مزه می کنم با دندان‌هایم گوشت کنار دست را فشار می دهم، سفت است، باز هم فشار می دهم، دندان‌هایم در گوشت فرومی رود تکه‌هایی رامی جوم و قورت می دهم. تمام دست را می خورم. بلند می شوم و به سمت صف توزیع بسته‌های خوراکی می روم.

شعری از محسن حسینی

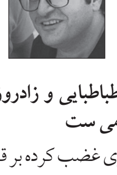

برای جواد طباطبایی و زادروز فرخنده اش که بر ما گرامی ست

چونان پیامبری غضب کرده بر قوم
بر بلندای رسالتی ژرف ایستاده ای
با انگشت اشارتی بلند
که مساله این است !
و چونان سربازی تنها
پنجه در عقربه های مانده در زوال
با سایه ای عمود بر انحطاط فرق
و چشم بر روزنه ای از ساعت فردا ...
سربازانه
بر مرزهای جغرافیای پیامبری ات می زنی
و پنجه می کشی بر ریشه های به جا مانده از ریواس
باد زوزه می کشد خاموش
و تو ایستاده ای بر تامل خاک
خیره بر اندوهی از تاریخ ...

شعری از روح ا... باقری

درختان
اجسادی‌مرموزند
که انگشت‌های لاغرشان را
در آسمان فرو کرده‌اند
خیابان‌ها   معابر بادهای سردسیرند
که در مه فرو رفته‌اند
ای زن–خدای چشمه‌ها و ابرها!
بهار را   در کدام گوشه‌ی تنت
پنهان کرده‌ای؟

شعری از الهام سلطانی

قطره چکان
دریا لال از چشم های تو
وقتی از دستمال ها رودست خوردی
شیر دریایی دست و بال باز شدی
و مالی ندیدی و شیر دادی
حالا دوشیزه ی دوشان
شیر عسله آب رفته
برای هر کوفتی عسل باشد یا نباشد
صغرا کبرا میشود لعنتی
حتی میرسد به سارا ؛دستمال بین المللی
در دوش, دوش پوستر معروف جر رفته
زنان در یا پنجره   که تکیه بر ریلها, ریملها...